

سازمان نظامی مشروطه

● «مجاهد» نامی بود که در دوره مجلس اول بر داوطلبان نظامی مشروطه‌خواه گذاشته شد. این نیرو بر تحولات سیاسی و اجتماعی کشور اثری دیرپا گذاشت. مجاهدان تبریز، در روزهای استبداد صغیر، پرچم مشروطه‌خواهی را بالا بردند و شهر خود را در برابر تهاجم نیروهای دولتی حفظ کردند. در مدت یازده ماه مردم تبریز به سرکردگی ستارخان در مقابل بیش از سی هزار نیروی مهاجم به فرماندهی عین‌الدوله مقاومت کردند. گروهی از ایرانیان قفقاز نیز به مردم تبریز پیوستند و به مجاهدان قفقاز معروف شدند. علی مسیو از یاران حیدرخان عمواوغلی و بارانش نیز دسته مجاهدان تبریز را تشکیل دادند. مجاهدان اردوی شمال نیز هم‌پای بختیاری‌ها بر پایتخت دست یافتند. اما پس از بازگشت نظام مشروطه مجاهدان چندپاره شدند. آنها به جناح‌های مختلف گرویدند و به عرصه مبارزه سیاسی پا نهادند. سرانجام با انحلال مجلس دوم نیروی مجاهد از میدان سیاست کناره رفت. کتاب «مجاهدان مشروطه» این‌پدیده را بررسی می‌کند، به مطالعه خاستگاه اجتماعی آنها می‌پردازد، تأثیر آنان را بر رویدادهای کشور می‌سنجد، و از زمینه‌های ضعف و نابودی آن نیرو سخن می‌گوید.

کتاب مشتمل بر ده فصل است. در ابتدای کتاب نویسنده، سهراب یزدانی، در پیش‌گفتاری کوتاه به‌چگونگی روش تحقیق خود درباره این پدیده پرداخته است. کتاب «پژوهشی تاریخی» است که با محورقرار دادن مجاهدان و نقش‌کلیدی آنان در انقلاب مشروطه به روند تشکل مجاهدان و یکی از کانون‌های اصلی آنان یعنی شهر تبریز که از نظر نویسنده «کامل‌ترین صحنه اجتماعی برای بررسی پدیده مجاهدان مشروطه» است می‌پردازد. در کنار آن پدیده لوطیان در تبریز نیز بررسی شده که به عنوان ستون فقرات مجاهدان تبریز شناخته می‌شوند و همچنین نقش دیگر سازمان‌ها، مانند «فرقه اجتماعیون عامیون» و بختیاری‌ها که آنان نیز سهم بسزایی در انقلاب مشروطه داشته‌اند.

در نخستین فصل کتاب، نویسنده به جایگاه شهر تبریز و اهمیت آن به عنوان مهم‌ترین ایالت ایران در دوران قاجاریه و به پدیده‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این شهر پرداخته است. در فصل دوم، موضوع مهاجرت ایرانیان به خارج از ایران و به ویژه مهاجرت آذربایجانی‌ها به روسیه بررسی می‌شود. نویسنده توضیح می‌دهد که کار در کارگاه‌های باکو و صنایع نفتی آنجا، زمینه‌های رشد و آگاهی سیاسی کارگران ایرانی را که برای کار به آنجا رفته بودند و تا پیش از آن هیچ آگاهی طبقاتی نداشتند فراهم آورد. تماس با سازمان‌های سیاسی مانند «فرقه عدالت»، سازمان «همت» و «اجتماعیون‌عامیون» و چگونگی ارتباط این سازمان‌ها با حزب سوسیال‌دموکرات روسیه از دیگر مباحث این فصل است.

فصل سوم کتاب به ریشه‌ها و چگونگی پیدایش مجاهدان می‌پردازد. نویسنده با بررسی پیشینه جنبش قانون‌خواهی در تهران به پیوستن تبریزی‌ها به جنبش مشروطه‌خواهی و به‌وجودآمدن سازمان‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌هایی چون «مرکز غیبی» و «انجمن ایالتی آذربایجان» پرداخته است. در فصل چهارم نویسنده «سازمان نظامی مقاومت در تبریز» را در زمان یازده‌ماهه مقاومت تبریزی‌ها در برابر تهاجم نیروهای دولتی و سپس ورود سپاهیان روس به این شهر بررسی کرده است. فصل پنجم به بررسی «بازتاب‌های اجتماعی جنگ» و رفتارهای روسیه ناشیاست مجاهدان مانند خلاف‌کاری عده‌ای از آنها در دوران صلح و خشونت و ارباب و زباده‌روی در برخورد با مقرران پرداخته است. بختیاری‌ها و اردوی آنان از نکاتی است که نویسنده با توجه به نقش آنها در نبردهای مشروطه‌طلبی در فصل ششم به آن می‌پردازد.

فصل هفتم کتاب با عنوان «سیاست‌بازان و مجاهدان» به دوره پس از فتح تهران و خروج سردار و سالارای ملی از تبریز اشاره دارد. تبریز از زمانی که به تصرف نظامی روس‌ها در آمده بود، وزن دوره مقاومت را از دست داده بود. در عوض تهران به مرکز سیاسی کشور تبدیل شد بود. شگاف در صفوف مجاهدان و چنددسته‌شدن آنها در این دوره و گرفتاری آنان در دام سیاست‌بازان جدید، حکومتگران قدیم و سیاست دو دولت روس و انگلیس، نداشتن درک و تصویر روشنی از مفهوم مشروطه، نبود سواد و آگاهی در میان مجاهدان بختیاری، عدم توانایی سران بختیاری در برقراری نظم و کنشیدمشن پاره‌ای از افراد آنان به چپاول و غارت در تهران از نکاتی است که به آنها اشاره شده است. واقعه پارک اتابک که یکی از رویدادهای ناخوشایند پس از فتح تهران است در فصل هشتم کتاب بررسی می‌شود. «روایتی با ضدانقلاب» عنوان فصل نهم کتاب است. این فصل به‌دگرگونی‌های پس از درگذشت‌شخصضدالملک در مهر ۱۲۸۹ و رقابت بر سر جانشینی او میان اعتدالیون و دموکرات‌ها می‌پردازد. فصل پایانی کتاب با عنوان «مجاهدان شورشی» به رویدادهای شهر تبریز پس از اردیبهشت ۱۲۸۸ و تصرف نظامی این شهر توسط روس‌ها، مقاومت جانانه مجاهدان و نهایت آغاز «حکومت هراس» در تبریز می‌پردازد.

مجاهدان مشروطه	
 سهراب یزدانی	
ناشر: نی	
چاپ سوم: ۱۳۹۷	
قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان	

گروه اندیشه: بیش از یک قرن از انقلاب مشروطه ایران می‌گذرد. انقلاب مشروطه در کنار انقلاب‌های روسیه و چین از اولین انقلاب‌های قرن بیستم و مهم‌ترین انقلاب اجتماعی خاورمیانه به‌شمار می‌آید. تاریخ‌نگاری مشروطه از اولین روزهای واقعه مشروطه شروع شده و تا همین امروز ادامه دارد. تنوع تاریخ‌نگاری‌ها به این تصور دامن می‌زند که گویی با تاریخی چندوجهی روبه‌رو هستیم. انقلاب مشروطه ایران از جمله موضوعاتی است که ایران‌شناسان از جنبه‌های مختلف به روایت و بررسی آن پرداخته‌اند. ازجمله این آثار می‌توان به کتاب «ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم» اثر ونسا مارتین، استاد تاریخ دانشگاه لندن، اشاره کرد که با دو ترجمه محمدابراهیم فتاحی (نشر نی) و غلامرضا علی‌بابایی (نشر اختران) ترجمه و منتشر شده است.

دوره مورد بررسی در کتاب حاضر سال‌های ۱۲۷۵ (۱۸۹۶) تا ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) است. به روایت مارتین این سال‌ها دوره کاملاً متمایزی است که با سلطنت مظفرالدین شاه، آسان‌گیرترین پادشاه قاجار، آغاز می‌شود. در این کتاب دو موضوع عمده مطرح می‌شود: ۱) نقش دین اسلام و سکولاریسم در انقلاب مشروطه؛ ۲) نحوه درک و دریافت از اندیشه سیاسی انقلاب در ولایات و ایالات و نیز نحوه گسترش مباحث مربوط به دین اسلام و سکولاریسم در آن مناطق. نویسنده بر این باور است که بررسی نقش کلی دین اسلام در انقلاب مشروطه، با توجه به منابع موجود، لازم و به‌موقع است. مطالعه و بررسی منابع آن دوره نشان می‌دهد با آنکه اغلب مردم انقلاب مشروطه را انقلابی شیعی به حساب می‌آوردند، این انقلاب نوید استقرار یک نظام حکومتی جدید را می‌داد که پاسخ‌گویی حاکمان، نظم و عدالت جای حاکمیت مطلق استبداد را می‌گیرد. شاید تصور شود چون ایران آن زمان کشوری تماماً شیعی بود، پس طبیعی است که انقلاب آن نیز انقلابی مذهبی باشد. ناگفته پیداست که در آن زمان درکی فراگیر از سکولاریسم وجود نداشت و حامیان آن نیز اغلب محدود بودند به نخبه‌ای از روشنفکران و تجار کثیرالسفر. در این میان روحانیون از اهمیت بالایی برخوردار بودند، هم به خاطر مقام و موقعیت مذهبی‌شان و هم به این دلیل که استفاده از نفوذ آنها در چانه‌زنی و اعتراض علیه حکومت نزد مردم امری رایج بود. بااین‌حال، در عصر مشروطه دو دیدگاه داری حاکمیت وجود داشت که تقریباً در مقابل هم بودند. این دو دیدگاه که در این کتاب بررسی شده‌اند عبارت‌اند از: ۱) دیدگاه بین نظام مطلق موجود و دموکراسی مشروطه؛ ۲) دیدگاه بین مشروطه‌خواهان سکولار که جدایی دین از سیاست اعتقاد داشتند، و مشروطه‌خواهان اسلام‌گرا که خواهان پاسخ‌گویی به شریعت بودند. امروزه با گذشت بیش از یک قرن از عمر انقلاب مشروطه همچنان شاهد این مجادله در عرصه سیاست و هویت این کشور هستیم. در این کتاب سیرتغییرمجادله بین اسلام و سکولاریسم و اثرات آن در دریافت و افکار عمومی بررسی می‌شود و تمرکز آن بر ظهور ناسیونالیسم اسلامی است که تاکنون نادیده گرفته شده است. منظور نویسنده از ناسیونالیسم اسلامی جنبشی است معطوف به استقرار یا حکمرانی یک دولت مدرن که بر اساس ایدئولوژی اسلامی تعریف می‌شود. حکومت در این تعریف یک نظام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است که حاکمیت آن در قلمروی معین و بر اساس ویژگی‌های مشترک و یک ایدئولوژی برجسته تعریف می‌شود. در زمان انقلاب مشروطه ناسیونالیسم اسلامی همانند سایر تعابیر ناسیونالیستی آن دوره چندان قیام نداشت، بود. ولی ایده‌های اولیه آن را می‌توان در آرای حاج‌آقا نورالله دید. مارتین با طرح

«ناسیونالیسم اسلامی» می‌کوشد به مخاطب انقلاب مشروطه یادآوری کند که این واقعه رویدادی بسیار پیچیده و برآمده از علل و عواملی بسیار و چندوجهی بود که نمی‌توان آن را به عللی خاص نظیر تفکرات چپ‌گرایانه یا سکولار یا لیبرال و حتی صرفاً مذهبی فروگاست. انقلاب مشروطه نیز همچون سایر تحولات و انقلاب‌های اجتماعی ایران متأثر بود از اندیشه‌هایی گوناگون ازجمله دیدگاه‌های تحت تأثیر اسلام.

نمای کلی از کتاب

کتاب در دو بخش و یازده فصل تنظیم شده است. بخش نخست همراه است با مقدمه‌ای برای خوانندگان ناآشنا با پیوند دین و دولت در ایران، جنبش اصلاحات قرن نوزدهم که بر اساس ایده‌های مدرن دولت در اروپا شکل گرفته بود، تأثیر ورود ایران به اقتصاد جهانی و نقش مهم تجار در انقلاب مشروطه. همچنین در این بخش حرکت برای اصلاحات در آموزش و پیوند آن با مطبوعات بررسی شده است. سپس دیدگاه‌های اسلامی و سکولار در موضوعاتی مانند دولت، قانون، جامعه و فرد با یکدیگر مقایسه شده‌اند. همچنین اهداف اسلامی و سوازی و اصلاح و دین و سکولاریسم در سال‌های منتهی به انقلاب بررسی شده‌اند و درباره مطبوعات پیش از انقلاب و نیز شباهت‌های اهداف و دیدگاه‌های اسلامی و سکولار درباره اصلاحات بحث شده است. بخش هفتم نیز به بررسی سیاست دولت مرکزی در زمینه تکوین مشروطه، دولت محلی و نقش اسلام اختصاص دارد. در این گفتار اعطای مشروطه در مردامه‌ام ۱۲۸۵ در نتیجه بازسازی دولت روایت و بررسی شده است. موضوعاتی مانند حاکمیت قانون و حقوق از منظر دینی و سکولار

نیز در این بخش آمده است. در ادامه، قانون اساسی (نظامنامه) سال ۱۲۸۵ و متمم آن، قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های بلدی در سال ۱۲۸۶ و اثرات آن در بعد ملی و ایالتی بررسی شده است. در نظر مارتین نوشته‌های مربوط به انقلاب مشروطه عمدتاً متوجه تهران و تاحدی تبریز بوده‌اند و در نتیجه آثار اندکی درباره سایر ایالات و ولایات نوشته شده است. نویسنده در این کتاب علاوه بر تبریز، به شیراز، اصفهان و بوشهر هم از منظر وضعیت دینی پرداخته. این شهرها از مراکز مهم ایالتی هستند که تاکنون نقش آنها در عصر مشروطه به

تاریخ

گزارشی از «ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم» به بهانه سالگرد انقلاب مشروطه

روایت عصر مشروطه از قاب چهار شهر



دسته سواران قاجار.

تفصیل بررسی نشده است. موضوعات مذکور از مواردی هستند که در چهرای بعدی کتاب، یعنی مراکز ایالات منتخب، بررسی شده‌اند. هریک از این چهار ایالت در دو فصل، یک فصل دوره پیش از مشروطه و فصل دیگر پس از آن و تأثیر قوانین مجلس در هریک بررسی شده‌اند.

مراکز ایالات منتخب

از آنجا که شهر تبریز به لحاظ سیاسی و روشنفکری در خط مقدم انقلاب مشروطه بود، بررسی اوضاع این شهر همواره یکی از فصول کتاب‌هایی است که درباره مشروطه نوشته می‌شود. در فصل سوم اهمیت موقعیت جغرافیایی و تاریخ تبریز، نقش نخبگان ازجمله ولیعهد و همچنین دسته‌بندی‌های مذهبی بررسی شده است. در این بخش اهمیت میزان نفوذ قفقاز در تکوین نخستین اندیشه‌های مدرن و شکل‌گیری مطبوعات پویا حتی در سال‌های پیش از انقلاب نشان داده می‌شود. این تحول در تبریز همراه بود با حرکتی به سوی ایجاد یک نظام آموزشی مدرن و پیشرفته که به‌شدت از سوی نیروهای محافظه‌کار رد می‌شد. در فصل هشتم، در بخش دوم، هم که به تبریز اختصاص دارد موضوع رادیکالیسم بررسی می‌شود که در سایر مناطق چندان نمود نداشت. رادیکال‌شدن طبقه فقرا و رشد مبارزه طبقاتی که عملاً شهر تبریز و حومه آن را دربرگرفته بود، از دیگر مواردی است که در این فصل بررسی می‌شود. این‌فصل با موضوع واکنش اسلام‌گرایان اعم از دیدگاه‌های میانه‌رو و تقه‌الاسلام تا ظهور انجمن اسلامیة و ستیزه‌جویی دو طرف به پایان می‌رسد. دو فصل این کتاب هم به شیراز اختصاص دارد. فصول چهارم و نهم داستان ایالتی کاملاً متفاوت را روایت می‌کنند، داستانی که در آن سیاست تحت سيطرة کشاکش بی‌امان حاکم بانفوذ و مستقل شیراز، قوام‌الملک، ایلیخان قشقایی فارس، صولت‌الدوله، و نمایندگان حکومت مرکزی قرار گرفته بود. شیراز مرکز ایالت تبریز و به لحاظ راهبردی مهم‌فارس بود. بررسی اوضاع شیراز از این نظر اهمیت دارد که شناختی از نقش ایلات، به‌ویژه قشقایی‌ها، به‌عنوان یک قدرت محلی عمده در یک مرکز شهری مهم طی انقلاب به دست می‌دهد. در شیراز نیز حرکتی اصلاح‌طلبانه با زبان ایجاد تغییر، اعم از مذهبی و سکولار، شکل گرفت. در فصل چهارم مبارزه دیرپا علیه شجاع‌السلطنه، حاکم و فرزند شاه، بررسی می‌شود. این



ایران بین ناسیونالیسم اسلامی وسکولاریسم

ونسامارتین

محمدابراهیم فتاحی

ناشر: نی

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان

سیاهی ژرف در «تاریکخانه تاریخ»

داریوش احمدی

کشتارها، ستمگری‌ها و ثروت‌اندوزی‌های این حاکمان را لایپوشانی و پنهان‌کاری کرده و هرکدام به‌دلیلی تلاش کرده‌اند سیمایی مثبت و پسندیده از این حاکمان و سلاطین به قول او ستم‌پیشه و بی‌کفایت نشان دهند؛ بااین‌حال مؤلف درباره سلجوقیان نگاهی همدلانه دارد و معتقد است سلاطین این دودمان «دارای خوی و منش مدیریتی بوده‌اند (ص ۲۰۴)». مدیریتی بهتر از دیگران داشته‌اند» (ص ۲۲۵) و در این دوره «به سبب توانایی و اقتدار بسیاری که این امیران یافتند، حکومتی متمرکز با ساختار اداری بسیار محکم و مهمی ایجاد شد» (ص ۲۵۹). مؤلف بر این باور است که اگر سلاطین سلجوقی رویه‌ها و عملکردهای نادرستی داشته‌اند، عامل و مقصر آن خواجه نظام‌الملک و هم‌رتبه‌های او بوده‌اند (صص ۲۲۶، ۲۵۹). این نگاه و رویکرد مثبت و ستایش‌آمیز مؤلف به این دودمان در حالی است که تیره سلجوقیان (اغوزها) در طول تاریخ بیش از هر گروه مهاجم دیگری ایرانیان را کشتار کرده و ویرانی به بار آورده‌اند و چنان که معروف است، روند پیشرفت علوم عقلی نیز در دوران آنان متوقف و موقوف شد. یکی دیگر از نظرات ویژه مؤلف آن است که چون مرکز فرمانروایی غزنویان (غزنه) اکنون در افغانستان واقع است، بایست در ایرانی‌شمرن این دودمان و درج سرگذشت آنان در ذیل تاریخ ایران درج نمی‌شود (ص ۱۶۰)

مؤلف در پایان کتاب نتیجه می‌گیرد که تاریخ ایران چیزی نیست جز تاریخ جنگ و قتال و نبردهای خانمان سوز و قدرت‌طلبی (صص ۲۶۵، ۲۶۸) و اینکه تلاش همه مورخان ایرانی آن بوده است که «ایرانیان را مردمی متمدن و بافرهنگ قلمداد نمایند و ازاین‌رو از بیان رفتارهای شنیع ایرانیان با یکدیگر و با ملل دیگر خودداری کرده‌اند» (ص ۲۷۰). این انگاره بنیادین مؤلف نمونه‌ای است از صدور احکام کلی غیر علمی و زمان‌پریشانه درباره تاریخ ایران و فارغ از این واقعیت که تاریخ‌نگار رسمی در هر دوره‌ای (به‌ویژه در گذشته) و در هر نقطه‌ای از دنیا (و نه فقط در ایران) ابزاری بوده است برای توجیه و تحکیم گفتمان سیاسی قدرت‌های مستقر.

این کتاب خالی از غلط‌های تحریری نیست. یکی از نمونه‌های آشکار آن عنوان جلد دوم کتاب است که بر روی جلد و در صفحات نخستین آن آمده: «از ظاهران تا ساجوقیان» (از ظاهران تا سلجوقیان)

مردم

زمانی که زنان جزء «مردم» شدند

● مشروطه مهم‌ترین خیزش سیاسی- اجتماعی در جامعه ایران بود که علاوه بر ایران در افغانستان، هند، ترکیه، چین و مصر نیز در حد فاصل سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳ رخ داد. به دلیل وجود ساختارهای سنتی و مردسالارانه دیرینه در جامعه ایران، توجه به مطالبات زنان در زمان مشروطه یکی از خواسته‌های مهم بود. موضوع کتاب «مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی» شرح آغاز مبارزات زنان برای تحقق حقوق اجتماعی در دوره قاجار و اوج‌گرفتن آن در زمان انقلاب مشروطه است. در انقلاب مشروطه گرایش‌ها و جناح‌های مختلف حضور داشتند. از نظر نویسنده کتاب، در مشروطه ایرانی، «سنت و تجدید از یک سو در تقابل با یکدیگرند و از دیگر سو مکمل هم». این کتاب نتیجه پژوهشی است که به بررسی تأثیر انقلاب مشروطه بر شئون مختلف جایگاه اجتماعی زنان می‌پردازد؛ از حضور آنها در جامعه و ایفای نقش‌های اجتماعی گرفته تا تأثیراتی که مشروطه بر ادبیات مربوط به زنان در جای گذاشت. با وقوع انقلاب مشروطه زنان حق تحصیل و تأسیس مدارس دخترانه پیدا کردند و بعد از ۱۲۸۹ شمسی با انتشار مطبوعات به طرح گسترده مطالبات حقوقی خود پرداختند. مطالباتی که برخی از آنها به نتیجه رسید و برخی دیگر همچنان بکندوده سال‌ها قبل، برای نخستین‌بار زبانی همچون ظایره و بی‌بی‌خانم با نگارش مقالاتی چون «مکتوب خانم دانشمند» و «مکتوب یکی از نسوان» از مسئله حقوق اجتماعی «جنس زن» سخن گفته و از امساتلی چـون حق تحصیل برای زنان و غیره سخن به میان آورده‌اند. در مکتوباتی که موضوع اصلی آنها جنسیت است، روابط جنسیتی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی مدنظر قرار گرفته و مهم‌تر آنکه این روابط جنسیتی که مبتنی بر نقش‌های ترمیمی نظام مردسالار برای زنان دوره قاجار بوده‌اند قابل تغییر و حذف تلقی شده‌اند. نتیجه ابتدایی تغییرات اجتماعی مشروطه برای زنان آن بود که به‌عنوان نیمه دیگر جامعه به رسمیت شناخته شدند و در تغییرات زبانی، به جای الفاظی چون «ضعیفه» و «مخدرات» از واژگانی چون «زنان» و «بانوان» برای معرفی آنان استفاده شد. انقلاب مشروطه از نظر زبانی، جنسیتی و تغییرات اجتماعی تحولی مهم در بافت فکری جامعه ایران پدید آورد. از نظر جامعه‌شناسی تا پیش از برقراری مشروطه در ۱۲۸۵ شمسی، مردم (در زبان زمان مشروطه منظور مردان است) رعیت به حساب می‌آمدند و صاحبان قدرت نگهداران و نگهداران «عیای ایران». همزمان با آغاز خیزش مشروطه‌خواهی هرچه به اواخر دوره قاجار نزدیک می‌شویم ظهور و حضور مردم، در قالب مرد و زن و سیر صعودی شهروندشدن «عیای ایرانی» در عرصه سیاسی و اجتماعی را بیشتر می‌توان مشاهده کرد. از آن پس به دنبال تغییر ساختار زبانی، واژه مردم برای هر دو جنس مرد و زن ایرانی استفاده شد. برای نمونه در این دوره اصطلاح «مردم» در قالب نوین آن مبنی بر شهروندان جامعه مدنظر قرار گرفته و زنان به‌عنوان فراموش‌شده تاریخ به تدریج وارد ساخت زبانی «شهروند» شده‌اند. این کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول مسائل، مطالبات و اقدامات زنان ایرانی تحلیل و به هفت محور پرداخته می‌شود؛ مسئله نابرابری اجتماعی در زبان عصر مشروطه، زنان و مسئله حقوق شهروندی در دوره مشروطه، سیر تکامل‌گیری مدارس زنان، مسئله «حفظ‌الصحه زنان» (سلامت زنان)، روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه، مطالبات اجتماعی زنان و استفاده از منابع دینی و بالاخره مقایسه مطالبات اجتماعی زنان ایرانی با زنان سایر کشورها. در بخش دوم کتاب نیز تعدادی از نامه‌های انتقادی زنان علیه نابرابری‌های اجتماعی در دوره مشروطه درج شده که ارزش سندی دارند. وجه مشترک تمام این نامه‌ها عبارتند از: نقد الگوهای جنسیتی جامعه ایران در دوره قاجار، نقد نابرابری‌های اجتماعی، استفاده از الگوهای دینی و اسلامی برای مشروعیت‌بخشی به نوع مطالبات اجتماعی که با رویکردی مردانه زمینه‌های محدودیت اجتماعی برای زنان به بار آورده‌اند. نویسنده نشان می‌دهد هرچند از نظر زمانی خیزش اجتماعی زنان در عصر مشروطه همزمان با حرکت‌های فمینیستی زنان در آمریکا، مصر و ژاپن است اما به جز مواردی معدود، شهادی بر ارتباط زنان ایرانی با زنان کشورهای دیگر وجود ندارد. با وجود این می‌توان ادعا کرد نوع مطالبات اجتماعی مطرح‌شده از سوی زنان ایرانی همخوانی زیادی با نوع مطالبات اجتماعی زنان در خیزش‌های اجتماعی در سایر کشورها دارد. تلاش برای ایجاد مدارس دخترانه و حق تحصیل برای زنان، تلاش برای اشتغال زنان، تلاش برای انتشار روزنامه، تلاش برای حذف آداب اجتماعی غلط و تلاش برای ایجاد تغییرات اجتماعی در قالب تبدیل نابرابری‌های اجتماعی به برابری‌های اجتماعی نشان از تناسب میان نوع مطالبات اجتماعی زنان ایرانی با مطالبات اجتماعی زنان کشورهای دیگر دارد. مواردی که نشان می‌دهد مشروطه علاوه بر ایجاد تغییرات نسبی در گفتمان سیاسی جامعه ایران تغییرات اجتماعی مهمی به‌ویژه در باره مسائل زنان پدید آورده است.

مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی	
 علی‌باغداردلگشا	
ناشر: روشنگران و مطالعات زنان	
قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان	